فهرست مطالب

چکیده ۷

فصل اول: شرایط مشترک توقیف اموال منقول و غیر منقول ۲۵

گفتار اول تأمین در قانون آئین دادرسی مدنی و توقیف در قانون اجرای احکام مدنی ۲۵

گفتار دوم مقررات مشترک توقیف اموال منقول و غیر منقول ۲۹

مبحث اول: شرایط اجرای حکم ۲۹

مبحث دوم: تبدیل مال توقیف شده ۳۵

مبحث سوم: وثیقه بودن مال توقیفی ۳۶

مبحث چهارم روند اجرای حکم ۳۹

۱- جمع بین مواد ۵۶ و ۵۷ قانون اجرای احکام مدنی ۴۵

۲- تأدیه خسارت قانونی ۵۰

۳- حضور یا عدم حضور اصحاب دعوا در اجرای حکم ۵۱

فصل دوم: شرایط خاص توقیف اموال منقول و غیر منقول ۵۳

مبحث اول: شرایط خاص توقیف اموال منقول ۵۳

۱- توقیف مال منقولی که نزد شخص ثالث است. ۵۵

۲- توقیف اموال منقول خارج از محل سکونت با کار محکوم علیه: ۵۷

۳- اقدامات دادورز در توقیف اموال منقول ۵۹
مبحث دوم: شرایط خاص توقیف اموال غیر منقول..... ۶۲
۱- اقدامات ثبتی در توقیف اموال غیر منقول:..... ۶۲
۱-۱ توقیف اموالی که سابقه ثبتی دارند..... ۶۲
۱-۲- توقیف اموالی که سابقه ثبتی ندارند..... ۶۵
۲- انتقال ملک به محکوم له:..... ۶۶
۳- توقیف ملک مشاع ۶۸
۴- توقیف عوائد و منافع ملک:..... ۶۹

فصل سوم: تشریفات لازمه برای توقیف اموال منقول و غیر منقول... ۷۳
گفتار اول تشریفات توقیف اموال منقول:..... ۷۳
۱- صورت برداری از اموال منقول : ۷۴
۲- ادعای اشخاص ثالث در مورد اموال توقیفی..... ۷۸
۳- اختلافات ناشی از اجرای حکم..... ۸۰
۴- ارزیابی اموال منقول..... ۸۱
۵- حفاظت از اموال توقیف شده..... ۸۳
گفتار دوم : نحوه توقیف اموال غیر منقول ۸۶
۱- صورت برداری اموال غیر منقول ۸۷
۲- ارزیابی اموال غیر منقول ۸۹

فصل چهارم: استثنائات وارده بر توقیف اموال ۹۱
گفتار اول: عدم امکان توقیف اموال دولتی و الزام به تعیین در بودجه سال بعد ۹۳

گفتار دوم شرایط تأدیه دیون شهرداری‌ها و توقیف اموال مربوطه ۹۷
گفتار سوم استثنائات وارده بر توقیف اموال سایر اشخاص مستثنیات دین) ۱۰۱
منابع و مآخذ: ۱۰۷
الف) کتب و مقالات ۱۰۷
(ب) جزوات و تقریرات دانشگاهی ۱۱۲
ج) قوانین و مقررات ۱۱۳

مقدمه

از آن زمان که انسان به زندگی اجتماعی روی آورد همزیستی و معاضدت با همنوع خویش را آزمود گوناگونی و پیچیدگی ماهیت انسان به عنوان اشرف مخلوقات بالتبع گوناگونی و تنوع روابط فی مابین او با همنوع خویش را به دنبال داشت و از آنجا که انسان موجودی نفع طلب است و قبل از اقدام به هر فعلی به سنجش سود و زبان حاصل از آن فعل بر می‌خیزد و با توجه به اینکه یکی از ابعاد مهم منفعت در بعد مادی آن نهفته است لذا رابطه اقتصادی میان انسانها در جوامع گذشته و جامعه امروزی یکی از شایع ترین روابط موجود است. از طرفی روابط اقتصادی می‌تواند به ایجاد دین و خلق داین و مدیون منجر شود. دین تعهدی است که بر ذمه شخص به نفع کسی وجود دارد و از حیث انتساب آن به بستانکار (داین طلب نامیده می‌شود و از حیث نسبتی که با بدهکار (مدیون) دارد دین یا بدهی نام دارد. قرض اخص از دین است و گاهی لفظ دین را به جای قرض به کار می‌برند از باب ذکر عام و اراده خاص همچنین در تعریف دین از آن به عنوان دینی که موضوع آن پرداخت مبلغی وجه باشد نیز یاد می‌کنند. که در این تعریف دین بر بدهی مالیاتی هم صادق است[1] (ماده

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱) ترمینولوژی حقوق تهران گنج دانش، چاپ دوازدهم، ص۳۱۶

۲۴ قانون کار مصوب ۱۳۳۷،۱۲،۲۷) از آنجا که انسان در پی حصول نفع بیشتر گاه به دلیل از و طمع در صدد عدم ادای دین خویش بر می‌آید و گاهی نیز به علت وقوع اشتباه و اختلاف بین طرفین رابطه قرض در اصل وجودی قرض یا میزان آن از تأدیه دین خویش خودداری می‌نماید و با توجه به اینکه دادگستری در مقام فاصل خصومت میان افراد موظف به رسیدگی به اختلاف و بالتبع صدور حکم و اجرای آن می‌باشد لذا در جهت اجرای حکم مبنی بر پرداخت بدهی باید ضمانتهای اجرای[1] محکم و قابل اطمینان و قابل اجرا در دسترس داشته باشد.

یکی از ضمانتهای اجرای بدیهی در این زمینه توقیف اموال محکوم علیه و فروش آن در جهت تأمین دین است.

قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶،۸،۱ به تدوین مقررات مربوط به چگونگی لازم الاجرا شدن احکام، توقیف اموال منقول و اموال غیر منقول فروش اموال از طریق مزایده و تأمین محکوم به از محل فروش اموال متعلق به محکوم علیه و تشریفات لازم الرعایه در جهت پرداخت است. البته مقنن در جهت اجرای محکومیتهای مالی سه راه حل ارائه داده است.

۱- توقیف و فروش اموال محکوم علیه

۲- ممنوعیت بدهکار از خروج از کشور

۳- بازداشت بدهکار

که در جای خود به این موارد خواهیم پرداخت.

۱- برای دیدن مفهوم ضمانت اجرا ر.ک به رودیجانی محمد مجتبی (۱۳۸۷) حقوق مدنی ۳ (مسئولیت قراردادی شیراز، انتشارات کوشامهر، چاپ اول، ص ٤٢

البته محکومیتهای مالی ممکن است ناشی از مسئولیت قراردادی باشد یا مسئولیت خارج از قرارداد[1] و البته قدر مشترک هر دو نوع مسئولیت تعهد و الزام است. بنابراین در مورد نوع اول یعنی مسئولیت قراردادی نقض تعهد قراردادی می‌شود و در مورد مسئولیت خارج از قرارداد نقض تعهد قانونی همچنین از مسئولیت خارج از قرارداد با عنوان مسئولیت تقصیری نام برده شده است و هرگونه مسئولیت قانونی که فاقد مشخصات مسئولیت قراردادی باشد، مسئولیت خارج از قرارداد نام دارد. در قانون مدنی مسئولیت خارج از قرارداد را تحت عنوان ضمان قهری آورده‌اند ماده ۳۰۷ همان قانون مسئولیت قراردادی مسئولیت شخصی است که در عقدی از عقود تعهدی را پذیرفته باشد و به علت عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد خسارتی را به متعهد له وارد آورده باشد این اصطلاح در برابر مسئولیت خارج از قرارداد به کار می‌رود و مجموع مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد را مسئولیت مدنی می‌نامند.[2]

عناصر مسئولیت قراردادی عبارت است از:

۱- تخلف از تعهد

۲- ضرری که از تخلف مزبور به متعهد له وارد می‌شود

۳- رابطه سببیت بین تخلف و ضرر.

۴- البته در مسئولیت ناشی از قرارداد خط رابط بین زبان دیده و مسئول قرارداد است که آن نیز ناشی از توافق طرفین است. اما در الزامات خارج از قرارداد آنچه موجب مسئولیت است قانون است که زبان رساننده را که به طور

۱- برای مطالعه در مورد این مفاهیم ر.ک. به رودیخانی محمد مجتبی حقوق مدنی ۳ همان، ص ٤٦

۲- رک رودیجانی، محمد مجتبی حقوق مدنی ۳، همان، ص ٤٧

نامشروع موجب خسارت دیگری شده ملزم بـه جبـران زیـان وارده مـی‌نمایـد. محکومیتهای مـالی در بسـیاری مـوارد ناشـی از قراردادهـای خصوصـی میـان اشخاص و تخلف از انجام تعهدات ناشی از آنهاست. مثلاً در عقد بیع خریـدار از پرداخت ثمـن بـا در پیمانکـاری پیمانکـار از اجـرای تعهـد خـویش خـودداری می‌نماید و بدین وسیله موجب ورود خسارت به متعهد له می‌گردد.

البته قبل از پرداخت به ضمانتهای اجرای محکومیتهای مالی و آنچه منظر نظـر این نوشتار است یعنی توقیف اموال منقول و غیر منقول باید مختصری در مورد اصطلاحات توقیف و همچنین اموال منقول و غیر منقول توضیح داده شود.

توقیف در لغت به معنی بازداشت کردن در جایی واداشتن از حرکت بازداشتن و ضبط کردن آمده است و منقول نیز به معنی نقل شـده و جابجـا شـده و آنچـه قابل نقل باشد و بتوان آن را از جایی به جای دیگر برد، اسـتعمال شـده و غیـر منقول در مقابل آن است. [1]

در اصطلاح حقوقی نیز ماده ۱۱ قانون مدنی مذکور داشـته امـوال بـر دو قسـم است منقول و غیر منقول ماده ۱۲ همان قانون مقرر داشته مال غیر منقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه اسـتقرار آن ذاتـی باشد یا بواسطه عمل انسان به نحویکه نقل آن مستلزم خرابی یا نقض خود مال یا محل آن شود. بر طبق ماده فوق دو نوع غیر منقول قابل شناسایی است.

۱- غیر منقول ذاتی (طبیعی که عبارت است از آنچه که طبعاً حرکت نمی کند و حرکت داده نمیشود مانند عرصه و اعیان

۱- عمید، حسن (۱۳۷٤) فرهنگ فارسی عمید تهران انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.

۲- غیر منقول با عمل انسان که دو صورت دارد یا به طور مادی ملحق بـه غیـر منقول است مانند پنجره و نیز ممکن است به طور غیر مـادی ملحـق بـه غیـر منقول باشد[۱] مانند حیوانی که از جهت امور زراعتی بـه مزرعـه اختصـاص داده شده باشد که فقط از حیث اموال منقول و غیر منقـول و صـلاحیت محـاکم در حکم غیر منقول می‌باشد. بنابراین میتوانیم در حقیقت ۳ نوع مال غیر منقول را نام ببریم غیر منقول ذاتی غیر منقول تبعی و غیر منقول حکمـی مطـابق مـاده ۱۹ قانون

بعد مدنی: اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است.

تشخیص اموال منقول و غیر منقول بخصوص در مورد توقیف این اموال ضرورت می‌یابد زیرا شرایط توقیف این اموال با هم متفاوت است. مثلاً مطابق مـاده ۱۷ قانون مدنی حیوانات و اشیائی که مالک آنها را برای عمل زراعت اختصاص داده است از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملـک محسـوب مـی‌شـوند بنابر این ماده شرایط اختصاص دادن مال منقول به غیر منقول

عبارت است از:

۱- وجود غیر منقول

۲- وجود منقول ذاتی

۳- تعلق هر دو به یک مالک

همچنین مطابق ماده ۲ قانون مدنی کلیه دیون از حیـث صـلاحیت محـاکم در حکم غیر منقول است که این اموال را مال منقول یا حکمی می‌نامند. همچنین

۱- جعفری لنگرودی محمد جعفر (۱۳۷٦)، حقوق اموال، تهران گنج دانش چاپ چهارم، متن ٦٨ به